

پیرامون مدال فیلدز کوچر بیر کار

سیاوش شهشهانی *



زاده از منطقه محروم و از یک اقلیت می‌تواند به یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور راه یابد و خود را طوری بشناساند که به عنوان عضو تیم علمی برگزیده شده و به مسابقه بین‌المللی اعزام شود، کار کوچکی نیست. هم کوشش و پایمردی این فرد نهایت تحسین‌آفرین است و هم نظام آموزشی کشور به دلیل شایسته‌شناسی بی‌تبعیض. ناگفته نماند که ظهور مریم میرزاخانی نیز به عنوان اولین زن برنده مدال فیلدز در جهان شاهد دیگری بر سلامت نسبی این نظام آموزشی است. موفقیت دیگری که باید ذکر شود مربوط به رشته ریاضی است. سالیان درازی است که دانش‌آموختگان رشته پزشکی و دوره کارشناسی مهندسی کشورمان قابلیت رقابت با همتایان خود از کشورهای پیشرفته را نشان داده‌اند ولی پدیده مشابه در رشته ریاضی پدیده‌ای کاملاً جدید است. در بیست سی سال اخیر تعدادی از فارغ‌التحصیلان رشته ریاضی کشور توانسته‌اند برای ادامه تحصیل با کسب بورس به بهترین دانشگاه‌های خارج کشور راه یابند و در آنجا به بالاترین موفقیت‌ها نایل آمده‌اند. این بی‌شک نشان می‌دهد که دست کم در بعضی دانشگاه‌های ما امکان تحصیل مطلوب در رشته ریاضی تا دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد فراهم آمده است. ولی شاخص نهایی پیشرفت در یک رشته علمی محصول دوره دکتری و سطح کیفی پژوهش است که در اینجا علیرغم موفقیت‌های نادر و پراکنده، و علیرغم پاره‌ای آمار کمی ساختگی، با سطح رقابتی جهانی بسیار فاصله داریم. با موفقیت‌هایی نظیر آنچه برجسته‌ترینش را در مورد بیرکار و میرزاخانی شاهد بوده‌ایم، اکنون اولویت ما در رشته ریاضی باید این باشد که محصول صد درصد داخلی را به همین مدارج برسانیم و به جد پیگیر فراهم آوردن جاذبه‌های لازم را برای پیشبرد پژوهش ریاضی اصیل در داخل کشور باشیم.

در خاتمه لازم است موفقیت اخیر را به شخص کوچر، خانواده درخشانی، هموطنان ناحیه مریوان، دانشگاه تهران و نظام آموزش مظلوم کشور تبریک گوئیم و چشم به راه توجه بیشتر به رشته ریاضی در داخل کشور باشیم.

* دانشگاه صنعتی شریف

اینکه دو دوره متوالی ریاضیدانی ایرانی تباردر بین برندگان مدال فیلدز ظاهر می‌شود پدیده درخور توجهی است. نکته‌ای مهم اینکه هر دو صرفاً «ایرانی‌تبار» نبودند، بلکه تحصیلاتشان تا پایان مقطع کارشناسی را در ایران گذرانده بوده بودند. شباهت هم به همین جا ختم نمی‌شود: هر چند هر دو دوره دکتری ریاضیات خود را در خارج ایران گذراندند و کارهای تحقیقاتی جدی‌ای را که منجر به شناسایی جهانی و کسب افتخارهای بین‌المللی‌شان شد را نیز در خارج به ثمر رساندند، ولی هر دو با مقدمات رشته کاری‌شان در دوره کارشناسی در ایران آشنا شده بودند و چشم‌پسته به خارج نرفتند. این شباهت‌ها به کنار، یک تفاوت بزرگ بین زمینه اجتماعی مریم میرزاخانی و کوچر بیرکار فوراً به چشم می‌آید: مریم از یک خانواده تحصیل کرده شهری بود، قشری که امکان و سنت این را دارد که تحصیل فرزندان را اولویت اول خانواده قرار دهد، ولی کوچر یک روستازاده از یکی از محروم‌ترین نقاط کشور، جایی که افزون بر محرومیت مادی و عدم دسترسی به امکانات، تفاوت زبان و مذهب می‌تواند پیشرفت اجتماعی را به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل کند.

این حکایت چه پیامی برای ما دارد؟ برداشت من این است که علیرغم همه ضعف‌ها، نارسایی‌ها و مشکلاتی که بر نظام آموزشی کشور ما مترتب است، این نظام به موفقیت‌هایی بزرگ، هر چند با دامنه محدود و فاصله‌دار از ایده‌آل، دست یافته است. یکی اینکه علیرغم نابرابری‌هایی که منکر آن نیستیم، تحصیل تا مراحل به نسبت بالا تا حد قابل ملاحظه‌ای در دسترس عموم قرار گرفته است و این گام بزرگی در تقویت عدالت اجتماعی است. اینکه یک روستا